

۱ تعریف شعر:

۱.۱ تعاریف بزرگان از شعر:

شاعران و منتقدان، تعریف‌های گوناگون و بی‌شماری درباره ی «شعر» ارائه داده اند. در تعریف‌های سنتی، ویژگی اصلی شعر را موزون و آهنگین بودن آن دانسته اند. در تعریف‌هایی دیگر، با دانش، فهم، درک، ادراک و وقوف یکی انگاشته شده است.

شعر، سروده، چامه یا چکامه یکی از کهن‌ترین گونه‌های ادبی و شاخه‌ای از هنر است. دехدا در یادداشت‌های خود درباره شعر چنین می‌نویسد: «چکامه، چغامه، چامه، نَشید، نظام، سخن منظوم، منظومه، قریض. ظاهراً ایرانیان را قسمی سرود یا شعر بوده و خود آنان یا عرب آن را «هَنَیْمَه» می‌نامیده‌اند. قدیم‌ترین شعر ایران که به دست است گاتاهای زرتشت می‌باشد که نوعی شعر هجایی محسوب می‌شود».

-بو علی سینا در شفا می‌گوید: شعر، کلامی خیال انگیز است که از اقوالی موزون و متساوی ساخته شده باشد

-افلاطون در رساله ی «ایون» خود، شعر را مولود شوق و الهام می‌خواند.

-دکتر زرین کوب، شوق الهام را تعبیر عارفانه ای از تخیل می‌داند.

-دکتر خانلری اعتقاد دارد شعر القای حالات نفسانی است

دکتر شفیعی کدکنی: شعر چیزی نیست جز به موسیقی رسیدن کلام و می‌گوید: شعر حادثه ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت، گوینده ی شعر با شعر خود، عملی در زبان انجام می‌دهد که خواننده، میان زبان شعری او، و زبانی روزمره و عادی تمایزی احساس می‌کند."

"شعر گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبان آهنگین شکل گرفته باشد."

دکتر زرین کوب: شعر دارای ماده و صورتی است. ماده ی آن معنا و مضمونی است که اساس آن را تشکیل می‌دهد و صورت آن وزن و آهنگی است که شعر را از انواع دیگر سخن جدا می‌سازد و ترکیب این دو را شعر می‌نامند.